مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۴ – ۲۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ – ۱۵ نوامبر ۲۰۲۵ – سال بیست و چهارم – شماره ۶۶۸۵ – ۱۲ صفحه – ۱۵۰۰۰ تومان

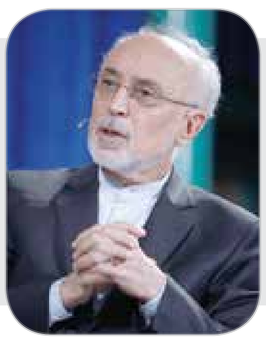

هشدار درباره انزوای استراتژیک ایران

صفحه۲

تمرکز آمریکا بر تحریم متحدین روسیه

صفحه۱۱

سیدمحمد خاتمی:

روی مطالبات واقعی مردم تکیه کنید

صفحه۳

در بحران بی‌آبی آیا بارورسازی ابرها اثربخش است؟

شلیک به قلب ابرها

۱۹ سد بزرگ کشور در آستانه مرگ کامل

صفحات ۴ و ۷

باید اصلاح‌طلبی را از نو بسازیم

کمیته سیاسی جبهه اصلاحات ایران طی رصد و ارزیابی شرایط حال حاضر کشور و با توجه به اجرایی شدن اسنپ بک و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت و شکل گیری اجماع جهانی علیه ایران، بحران‌های انرژی، معیشت و اقتصاد و... به پرسش «در این شرایط بسیار خطیری چه باید کرد؟» پاسخ داد. به گزارش جماران، در این پاسخ که در دیدار اخیر اعضای مجمع عمومی جبهه اصلاحات ایران با...

صفحه۳

خروج برجام از دستورکار شورای حکام آژانس

با پایان دوره قطعنامه ۲۲۳۱، موضوع ایران از دستورکار برجامی در جلسات شورای حکام خارج شده و طبق برنامه منتشرشده از سوی دبیرخانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تنها در چارچوب توافق‌نامه‌های پادمانی پیگیری خواهد شد. دبیرخانه آژانس در پیام خود اعلام کرده است که نشست شورای حکام چهارشنبه هفته آینده (۲۸ آبان ۱۴۰۴) در وین برگزار می‌شود و مباحث آن شامل موضوعاتی نظیر...

صفحه۱۰

رسوایی قطور اپستین و ترامپ

گروه بین‌الملل – مهدی یزدی: ماجرای رسوایی اپستین هر روز یک جنجال بزرگ در فضای سیاسی آمریکا به پا می‌کند. داستان جدید اینجاست که دموکرات‌ها می‌خواهند ۲۰ هزار سند از اسناد مربوط به سرمایه دار «بد نام» و رفیق شفیق ترامپ را منتشر کنند. دموکرات‌ها فعلا سه مجموعه ایمیل از جمله مکاتبات میان اپستین (که در سال ۲۰۱۹ در زندان درگذشت) و گیلین مکسول شریک او را...

صفحه۱۱

یادداشت

بحران هویت در سیاست حجاب

فرشید محمدی

مسئله حجاب سال‌هاست که به یکی از محوری‌ترین مباحث میان جامعه و حاکمیت تبدیل شده و با گذشت زمان شکاف میان گفتمان رسمی و خواست عمومی در این زمینه عمیق‌تر شده است.

روشن است که حجاب در ذات خود موضوعی فرهنگی است و حل و فصل آن نیز نیازمند رویکرد فرهنگی، مدنی و اقناعی است. با این حال، طی سالیان اخیر به‌جای استفاده از ابزارهای فرهنگی نگاه امنیتی بر این موضوع غالب شده و همین مسئله نه‌تنها به حل چالش کمک نکرده، بلکه فاصله ذهنی و احساسی مردم و حاکمیت را افزایش داده است.

در جهانی که شبکه‌های اجتماعی، جریان آزاد اطلاعات، صنعت مد، تنوع پوشش و تحولات نسلی نقش تعیین‌کننده دارند، دیگر نمی‌توان با ابزارهای فشار یا اجبار اجتماعی انتظار داشت که مردم با یک شیوه خاص از پوشش همراه شوند. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که هرگونه سیاست سخت‌گیرانه بدون پشتوانه فرهنگی نه‌تنها کارآمد نیست، بلکه به مقاومت اجتماعی گسترده‌تر منتهی می‌شود.

یکی از موضوعاتی که احساس تبعیض و رفتار دوگانه را در جامعه تقویت کرده، نحوه برخورد گزینشی با مسئله حجاب در برخی رویدادهای رسمی و جشن‌های حکومتی است؛ جایی که بعضاً شاهد ارائه تصویری متفاوت از قواعد اعلام شده هستیم و تصاویر حاضرین بدون سانسور در فضای رسانه‌ای منتشر می‌شود.طبیعی است که چنین مواردی این پرسش را در اذهان تقویت کند که اگر رعایت حجاب امر ضروری و بنیادین تلقی می‌شود، چرا در برنامه‌های رسمی کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد؟ این تناقض رفتاری خود به فرسایش سرمایه اجتماعی و بی‌اعتمادی عمومی دامن می‌زند.

برای عبور از این وضعیت لازم است سیاستگذاری فرهنگی با واقعیت‌های اجتماعی هماهنگ شود. نخستین گام، پذیرش این واقعیت است که جامعه امروز ایران، جامعه دهه‌های گذشته نیست و نسل جدید، الگوهای متفاوتی از سبک زندگی و پوشش دارد. دوم، باید از دوگانه‌سازی و برخوردهای سلبی فاصله گرفت و به‌جای آن گفت‌وگو، آموزش، تولید محتوا و تقویت سرمایه فرهنگی را مبنای عمل قرار داد. سوم، حاکمیت باید با شفافیت و پرهیز از رفتارهای چندگانه نشان دهد که قانون و ضابطه برای همه یکسان اجرا می‌شود و سلیقه‌های سیاسی یا مراسم رسمی نمی‌توانند معیار مضاعف ایجاد کنند.

در نهایت، اگر هدف تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش تنش در موضوع حجاب است راه‌حل نه در امنیتی‌سازی، بلکه در یک بازنگری جدی فرهنگی و مشارکت‌محور نهفته است. هنگامی که رویکردها بر پایه احترام، گفت‌وگو و اعتمادسازی استوار شود امکان رسیدن به یک فهم مشترک میان مردم و حاکمیت فراهم خواهد شد.چنین مسیری علاوه بر کاهش شکاف اجتماعی به ارتقای اعتبار نهادهای رسمی و عبور از بحران‌های تکرارشونده در حوزه حجاب کمک می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز یک سیاستگذاری پایدار، واقع‌بینانه و منطبق با تحولات جامعه امروز ایران باشد.

یادداشت

تبیین جامعه‌شناختی موقعیت نوین ایران در عرصه بین‌الملل

رحمان پرورش

تحول ساختار اجتماعی ایران در چارچوب نظام بین‌الملل، نمونه‌ای بارز از دگرگونی‌های نهادی در جوامع در حال گذار محسوب می‌شود. این تحول، که از الگوی سلسله‌مراتب عمودی به سمت شبکه‌های افقی در حرکت است، نه‌تنها ساختار داخلی، بلکه موقعیت ایران در عرصه جهانی را نیز دگرگون ساخته است.

از منظر نظری، می‌توان این گذار را با تلفیق چارچوب‌های «ساخت‌یابی» آنتونی گیدنز و «جامعه شبکه‌ای» مانوئل کاستلز تحلیل کرد. بر این اساس، تغییرات در سطح «عاملیت» و «ساختار» به‌صورتی همزمان و متقابل روی می‌دهد.

شواهد عینی حاکی از آن است که صورتبندی جدیدی از روابط بین سه نوع سرمایه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) در حال شکل‌گیری است.

در این میان، «تحصیلات عالی» به عنوان متغیری مستقل، نقشی محوری در این دگرگونی ساختاری ایفا می‌کند. توسعه کمی و کیفی آموزش عالی، به ظهور یک سرمایه فکری مستقل و شکل‌گیری «میدان‌های» جدید اجتماعی انجامیده است.

این پدیده از دیدگاه روابط بین‌الملل، همگرایی بیشتر ساختاری ایران با نظام جهانی را تسهیل کرده است.

نهادهای مدنی نیز به عنوان بازیگران نوظهور، کارکردی واسطه‌ای میان دولت و ملت بر عهده گرفته‌اند. این تحول نهادی، هم در سطح داخلی به تعادل قوا کمک کرده و هم در عرصه بین‌المللی، ظرفیت‌های تازه‌ای برای تعامل فراهم آورده است.

تغییرات گفتمانی نیز از دیگر وجوه این گذار تاریخی است.

گذار از گفتمان سنتی به گفتمان مدرن شهروندی، نه‌تنها در سطح داخلی، بلکه در تعامل با گفتمان‌های جهانی نیز تأثیرگذار بوده و گفت‌وگوی بین‌المللی را تسهیل نموده است.

این تحول را می‌توان در سه سطح زیر مشاهده کرد:

* در بعد شناختی: گذار از «پذیرش» به «نقد»
* در بعد ساختاری: تحول از «هرم» به «شبکه»
* در بعد هنجاری: دگرگونی از «تبعیت» به «مشارکت»

از منظر نظام بین‌الملل، این تحولات داخلی تأثیری مستقیم بر جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران خواهد داشت.

شکل‌گیری یک «جامعه شبکه‌ای»، هم پیوند بیشتر با نظام جهانی را تقویت کرده و هم سرمایه اجتماعی لازم برای نقش‌آفرینی بین‌المللی را فراهم می‌آورد.

چشم‌انداز پیش‌رو حاکی از آن است که ساختار شبکه‌ای به‌تدریج در پهنه اجتماعی ایران تثبیت خواهد شد. تداوم این روند، هم در سطح داخلی زمینه‌ساز توسعه پایدار می‌شود و هم در عرصه بین‌المللی، موقعیت ایران را در منظومه جهانی ارتقا خواهد داد.

یادداشت

قاتلان خاموش؛ مسئولیت عوامل بیرونی در خودکشی‌ها

مسلم سلیمانی

در جامعه‌ای که آمار خودکشی زنگ هشدار را به صدا درآورده، نگاهی سطحی به این پدیده شوم، تنها بخش کوچکی از حقیقت را آشکار می‌کند. آیا تنها فردی که دست به جان خود می‌برد، مسئول این عمل دانسته می‌شود؟ یا آنانی که با ظلم و ستم، عرصه را بر او تنگ کردند، سهمی در این قتل ندارند؟

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی ژرف می‌فرمایند: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِحَدِيدَةٍ فَحَدِيدَتُهُ فِي يَدِهِ يَتَوَجَّأُ بِهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا»

«هر کس خود را با قطعه آهنی بکشد، آن آهن در دستش در آتش دوزخ خواهد بود که پیوسته آن را در شکم خود فرو می‌کند، در حالی که جاودانه در آن خواهد ماند.»

توضیح مختصر: این حدیث شریف که در معتبرترین کتب حدیثی آمده، هرچند به ظاهر اشاره به مجازات اخروی عمل خودکشی دارد، اما در تفسیری عمیق‌تر و با استناد به آیاتی چون «وَلا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء/۲۹) اشاره می‌کند که اگر کسانی با ظلم، تحقیر یا ایجاد شرایط غیرقابل تحمل، انسانی را به ورطه ناامیدی و خودکشی بکشانند، در پیشگاه الهی به عنوان قاتل شناخته می‌شوند.

خداوند که به راز دل‌ها آگاه است، ستمگران واقعی را می‌شناسد و آنان در آخرت با عذابی سخت روبرو خواهند شد که معادل با قتل عمد است.

اما این تنها پایان ماجرا نیست. فقه اسلامی با ظرافتی کم‌نظیر، به واکاوی ابعاد حقوقی و قضایی این مسئله می‌پردازد.

اصل کلی در قرآن: حرمت قتل نفس و مسئولیت جمعی

قرآن کریم به صراحت بر حرمت قتل نفس تأکید دارد: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (انعام، ۱۵۱). اما نکته کلیدی، تلفیق این آیه با آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (اسراء، ۱۵) است. فقها با درنظرگرفتن کلیت آموزه‌های اسلامی، این اصل را مطلق نمی‌دانند و برای «مُسَبِّب» (کسی که علت وقوع گناه یا جنایت شده) مسئولیت قائل می‌شوند.

تفسیر فقهی: مفهوم «إِصْدَار سَبَبِ الهَلَاكَةِ»

در فقه اسلامی، قاعده‌ای مهم وجود دارد: «كُلُّ مَنْ أَصْدَرَ سَبَبَ هَلَاكَةٍ فَهُوَ ضَامِنٌ» (هر کس سبب هلاکت و نابودی [شخص دیگری] را فراهم کند، ضامن است).

این بدان معناست که اگر شخصی (الف) شرایطی ایجاد کند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم منجر به مرگ شخصی (ب) شود، حتی اگر خود (ب) دست به عمل زده باشد، (الف) از نظر شرعی و قضایی مسئول شناخته می‌شود.

مصادیق عوامل بیرونی مشمول این قاعده:

* ظلم و ستم شدید: آزار جسمی، روانی یا جنسی مستمر که تحمل زندگی را برای فرد غیرممکن کند.
* افسردگی و ناامیدی عمیق ناشی از عمل دیگران: تحقیر مداوم، تبعیض، نشر اکاذیب و تخریب شخصیت.
* تحت فشار قرار دادن مالی: بدهکاری کمرشکن و اعمال فشار غیراخلاقی و مستمر طلبکار.
* توطئه و دسیسه: طراحی نقشه‌ای که فرد را در بن‌بست کامل قرار داده و خودکشی را تنها راه حل در ذهن او جا بیندازد.

حکم شرعی مقصران؛ از دادگاه خدا تا دادگاه بشر

با توجه به منابع فقهی، مقصران اصلی در چنین حوادثی، بسته به نوع و شدت عملشان، احکام مختلفی دارند:

الف. حکم تکلیفی (در نزد خدا):

این افراد مرتکب گناه کبیره شده‌اند. عمل آنان مصداق بارز «إِعَانَةٌ عَلَى الإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (یاری دادن بر گناه و تجاوز) است.

آنان در معرض عذاب الهی قرار دارند، چرا که پیامبر (ص) فرمود: «مَنْ دَلَّ عَلَى شَرٍّ فَعَلَيْهِ مِثْلُ وِزْرِ فَاعِلِهِ». ایجاد شرایط خودکشی، مصداق روشن «دلالت بر شر» است.

ب. حکم قضایی (در دادگاه شرع):

* ضمان دیه: اگر ثابت شود عمل این افراد (مانند ظلم شدید یا تهمت) علت مستقیم خودکشی بوده، فقها آنان را ضامن پرداخت دیه می‌دانند. دیه به نسبتی که در سقوط فرد نقش داشته‌اند (و نه به صورت کامل) به ورثه پرداخت می‌شود.

ادامه در صفحه ۲

گزارش روز

روی پنهان جدال ترامپ و بی‌بی‌سی

علی ودایع

بی‌بی‌سی به‌دلیل ویرایش جنجالی سخنرانی «دونالد ترامپ» در مستندی که یک سال پیش پخش شد، با بحران بی‌سابقه‌ای روبرو است.

این حادثه تاثیر عمیقی بر اعتماد و اخلاق حرفه‌ای این شرکت معتبر بریتانیایی و همچنین رویه روزنامه‌نگاری به طور کلی داشته است.

به‌دنبال آنچه بی‌بی‌سی «اشتباه در قضاوت» توصیف کرد، «تیم دیوی» مدیر کل و «دبورا ترنس» رئیس بخش خبر استعفا دادند. با این حال این اقدام برای جلوگیری از زلزله‌ای که بنیان این نهاد را لرزانده، کافی نبوده است.

بحث پیرامون ویرایش سخنرانی ترامپ در ساعات منتهی به شورش‌های ۶ ژانویه ۲۰۲۱ (۱۷ دی ۱۳۹۹) در ساختمان کنگره، مهمترین دارایی ناملموس بی‌بی‌سی یعنی اعتبار آن را به خطر انداخته است. حل این مساله مستلزم تعیین این است که آیا این واقعا یک خطای فاجعه‌بار در قضاوت بوده یا یک دستکاری عمدی؟

داستان هرچه که باشد؛ نقش ترامپ در کودتای نافرجام ششم ژانویه، یک اتفاق بدیهی است اما ظاهرا بی بی سی به شکلی حماقت‌آمیز دست به تحریف زده است.

مستندی از برنامه «پانوراما» BBC، دو بخش از سخنرانی ترامپ که با فاصله حدود ۵۰ دقیقه بوده، کنار هم گذاشته شده تا چنین القا کند که رئیس‌جمهور وقت آمریکا دستور حمله به کنگره را داده است.

ماجرای ترامپ و بی بی سی به وضوح اثبات می‌کند که تحریف واقعیت در رسانه‌های غربی موضوع تازه‌ای نیست؛ آنها گرچه ادعا می‌کنند روایت صادقانه می‌دهند، اما روایت‌هایشان هدایت‌شده و تابع منافع مدیران بالادستی‌شان یا سرفصل‌های حاکمیتی است.

هدف پنهان ترامپ

نکته اساسی اینجاست که رئیس جمهوری آمریکا در شکایت از بی بی سی دنبال چه هدفی است؟ برای پاسخ به این سوال باید به کارنامه رفتاری ترامپ در مواجهه با رسانه‌های منتقد نیم نگاهی داشته باشیم. ترامپ در موارد متعدد مدعی شده است که رسانه‌ها اقدام به «جعل خبر» علیه او کرده‌اند.

شکایت ترامپ از سی بی اس CBS آمریکا در اکتبر ۲۰۲۴ به دلیل «دستکاری فریبکارانه» به نفع «کامالا هریس» اقدام به شکایت ۱۰ میلیارد دلاری کرده بود که با پرداخت ۱۶ میلیون دلار به کتابخانه ریاست جمهوری ترامپ پایان یافت.

رئیس جمهوری آمریکا شکایتی ۱۵ میلیارد دلاری از نیویورک تایمز داشت که در نهایت با یک شکست سنگین او و پرداخت ۴۰۰ هزار دلاری مواجه شد.

ترامپ علیه شکبه ای بی سی ABC آمریکا به دلیل اتهام «مسئولیت ترامپ در تجاوز جنسی» شکایت کرد که در نهایت با ۱۵ میلیون دلار به مصالحه ختم شد. رئیس جمهوری آمریکا همچنین شکایت‌هایی علیه روزنامه واشنگتن پست و شبکه سی ان ان نیز طرح کرده است. «باب وود وارد» روزنامه نگار شاخص ماجرای رسوایی «واتر گیت» و ده‌ها خبرنگار دیگر هم در لیست شکایت‌ها و رفتار خصمانه ترامپ قرار دارند.

الگوریتم مشخص

«مرد دیوانه» درباره رسانه‌های منتقد از الگوریتم «تحمل صفر» تبعیت می‌کند؛ یعنی از یک رویکرد مشخص که شامل ارعاب، حمله لفظی و شکایت حقوقی تبعیت می‌کند. «انجمن قلم آمریکا» صراحتا رفتار ترامپ را نقض آزادی بیان در این کشور می‌داند.

داستان زمانی جالب‌تر می‌شود که همین رفتار خشن با رسانه‌های منتقد توسط نزدیکان و اعضای کابینه دولت آمریکا نیز علیه رسانه‌های منتقد در دستور کار است.

ماجرای اخراج خبرنگاران منتقد از نشست‌های خبری کاخ سفید یا فرمان تخلیه خبرنگاران از ساختمان پنتاگون نشان می‌دهد که در همه سطوح اعمال فشار علیه رسانه‌های منتقد در دستور کار تیم ترامپ است.

ترامپ همان‌قدر که رسانه را ابزار می‌داند، در برابر نقد آن واکنش پرخاش‌گرایانه دارد و رفتار تندش با خبرنگاران پرسشگر در نشست‌های مختلف کاملا مشهود است.

پیام به رفقای غربی

فراتر از همه آنچه که گفته شد؛ ماجرای بی بی سی عملا یک پیام سخت از سمت ترامپ برای غرب است، یعنی یقه رسانه‌های منتقد ترامپ در اروپا هم گرفته می‌شود.

رئیس‌جمهوری آمریکا که دنبال احیای هژمونی آمریکاست؛ می‌خواهد گلوی رسانه‌های اروپایی را هم فشار دهد. ناگفته نماند که ترامپ از نوع حمایت‌های پنهان لندن از دموکرات‌ها و ناهمسویی در برخی موارد ناخرسند است.